یادداشت

کمیسیون انرژی چگونه به مرجعی فعال برای حکمرانی انرژی بدل می‌شود؟

از حاشیه‌نشینی تا معماری آینده انرژی ایران

محمد بهرامی سیف‌آباد
نایب‌رئیس کمیسیون انرژی

کمیسیون انرژی مجلس، در آستانه آغاز فصلی تازه در راهبری تحولات کلان انرژی کشور است. در میانه موجی از تحولات اقتصادی، محیط‌زیستی و فناورانه که قواعد سنتی سیاست‌گذاری را در هم شکسته، بخش انرژی کشور، خود را در برابر چالش‌هایی چندجانبه می‌بیند؛ از فشار مضاعف بر منابع تأمین گرفته تا مشکلات آلودگی و نارسایی‌هایی که سال‌ها در شیوه تصمیم‌سازی جا خوش کرده‌اند. این واقعیت، بازنگری در ساختار حکمرانی انرژی را نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی غیرقابل تردید کرده است. در این بستر، کمیسیون انرژی مجلس نمی‌تواند فقط به نقش مشورتی و تقنینی اکتفا کند. امروز، نیاز به نقش‌آفرینی مؤثر دارد؛ نقشی فعال در جهت‌دهی به آینده انرژی کشور، فراتر از ساختارهای سنتی مدیریتی فعلی و بهتر از آنچه تاکنون جاری و ساری بوده است. آنچه این روزها به عنوان ناترازی انرژی شناخته می‌شود، فقط یک مسئله فنی نیست؛ مربوط به زیرساخت‌هایی است که سال‌ها نوسازی نشده‌اند. مرتبط با مصرف غیرهدفمند و سیاست‌های ناپایدار قیمتی است و تصویری از بحرانی پیچیده را ترسیم می‌کند که مستقیما بر توان کشور برای دوام‌آوردن در برابر بحران‌ها ارتباط دارد. حل این بحران، نیازمند تصمیمات قاطع برای عبور از محافظه‌کاری و اقدام برای اصلاح ساختارهاست که توأمان مورد نیاز است. مرور رویدادهای اخیر در حوزه انرژی، نشان می‌دهد دوران نظارت صرف به سر آمده است. کمیسیون انرژی باید از حاشیه‌نشینی بیرون بیاید و به مرجع تصمیم‌گیر در مسیر تحول تبدیل شود. از حمایت جدی از فناوری‌های داخلی گرفته تا فراهم‌سازی زیرساخت‌های قانونی برای ورود مؤثر بخش خصوصی و سایر تصمیمات خلاقانه دیگر؛ این نهاد می‌تواند نقشی محوری در هدایت مسیر تازه ایفا کند. با وجود تعیین اهداف قابل توجه در توسعه انرژی‌های نو، کارنامه این حوزه ناامیدکننده است. کندبودن پیشرفت، ناشی از نبود ثبات در سیاست‌ها و ضعف تعامل میان دستگاه‌هاست. حال آنکه اگر چارچوب حمایتی روشن‌تری تعریف شود و نهادهای متولی هماهنگ‌تر عمل کنند، انرژی‌های تجدیدپذیر می‌توانند به یکی از پایه‌های توسعه پایدار کشور تبدیل شوند. ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای برخوردار است؛ اما ضعف نهادهای مؤثر در حوزه همکاری‌های بین‌المللی باعث شده این توانمندی موجود بلااستفاده و همچنان مغفول باقی بماند. کمیسیون انرژی می‌تواند با پیگیری ایجاد ساختارهای هماهنگ و تدوین سازوکارهای صادراتی، زمینه‌ساز بهره‌برداری اصولی از مزیت‌های ژئوانرژیک کشور شود. در روزگاری که آینده انرژی به مسئله‌ای راهبردی بدل شده، نهادهایی مانند کمیسیون انرژی مجلس باید در تعیین و تبیین مسئولیت‌های خود تجدیدنظر کنند. فقط با فاصله‌گرفتن از سیاست‌های محتاطانه، اتخاذ رویکردی تحلیلی و فعال و پیگیری بی‌وقفه سیاست‌های اثربخش، می‌توان این نهاد را به یکی از مراجع آینده‌نگر و پاسخ‌گو در دهه آینده بدل کرد.

در این میان، ضرورت توسعه و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. ایران، با داشتن ظرفیت‌های گسترده خورشیدی و بادی می‌تواند بخش مهمی از تأمین برق خود را از منابع پاک و پایدار تأمین کند؛ اما این مسیر نیازمند برنامه‌ریزی هوشمندانه و سرمایه‌گذاری هدفمند است. شرایط اقلیمی کشور و روند تشدید خشک‌سالی‌ها، فشار بر منابع آب و خاک را افزایش داده و وابستگی به روش‌های انرژی‌بر سنتی را به مسئله‌ای خطرآفرین بدل کرده است. ادامه روند فعلی تولید انرژی مبتنی بر سوخت‌های فسیلی و نیروگاه‌های آبی نه‌تنها مصرف منابع پایه را تشدید می‌کند، بلکه توان تاب‌آوری کشور در برابر تغییرات اقلیمی را نیز کاهش می‌دهد. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، مسیر مهمی برای کاهش فشار بر منابع آب و خاک کشور است؛ مسیری که فقط با تقویت نقش ساختاری کمیسیون انرژی مجلس، امکان‌پذیر خواهد بود. اگر این نهاد بتواند سازوکارهایی مؤثر برای هدایت سرمایه‌گذاری، تسهیل قوانین و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها طراحی کند، تحول در سیاست‌های انرژی کشور دور از دسترس نخواهد بود. اکنون فرصت مغتنمی برای نوسازی کارکرد نهاد کمیسیون انرژی در تعامل با وزارتخانه‌های کلیدی همچون نیرو و نفت فراهم آمده است. اصلاح تعاملات نهادی و بازنگری در کارکردهای سیاستی، می‌تواند به هم‌افزایی میان نهادهای دولتی و تسریع در اجرای طرح‌های زیربنایی انرژی منجر شود. چنین تغییری نه‌فقط موجب بهبود عملکرد دستگاه‌های اجرائی خواهد شد، بلکه جایگاه کمیسیون انرژی را به عنوان مرجعی فعال، آینده‌نگر و پاسخ‌گو در ساختار حکمرانی کشور تثبیت خواهد کرد. اکنون زمان آن فرارسیده است که کمیسیون انرژی نه‌فقط در حرف، بلکه در عمل، به عنوان معمار آینده انرژی ایران ایفای نقش کند.

یادداشت

مسئله حمل‌ونقل اعتصاب و معماری نظام سیاست‌گذاری

ادامه از صفحه اول

در هر حوزه‌ای (چه حوزه سیاسی یا سیاستی) با چند تشکل بزرگ و اصلی طرف باشید و بار تنظیم‌گری را بر دوش آنها بگذارید و نظام سیاسی را از زیر بار این‌همه فشار تخلیه کنید. تشکل‌های بزرگ نمادی از سرمایه‌داری ملی است. آن‌گاه که تحت نظارت حاکمیت عمومی باشند، یک راه‌حل مهم برای معماری سیاست‌گذاری عمومی است. بازنگری در نحوه تفکر ما از معماری سیاست‌گذاری و گذار از اداره توده‌ای کشور به اداره براساس تشکیلات عمومی ضروری است. معمار حرم سیاست نباید خرقه سیاست‌گذاری را در رهن خرابات «آنومی اجتماعی» بگذارد.

بانکداری ایرانی و گرداب «آینده»

ادامه از صفحه اول

اما در اقتصاد ما شرایط به گونه دیگری است: ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی-اعتباری نه به سبب شکل‌گیری سونامی ورشکستگی مشتریان، بلکه معلول افراط در دادن تسهیلات رانتی به خودی‌ها است. به بیان دقیق‌تر خودی‌های قدرتمند منابع بانک را غارت کرده، و پوسته آن را مانند کاغذ شکلاتی که مصرف شده، دور می‌اندازند. پس پرسش درست در چنین شرایطی این نیست که با این پوسته یا همان کاغذ شکلات رهاشده چه کنیم، بلکه این است که شکلات را چه کسی یا چه کسانی خورده‌اند! اقتصاد مظلوم ما در سال‌های اخیر و در سایه بی‌توجهی متولیان امر چند بار شاهد خورده‌شدن شکلات بانکی و دور انداختن کاغذش بوده است. بحران مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز در سال ۱۳۹۶ یکی از این موارد بود. برندگان این ماجرا منابع مؤسسه‌ها را به مشتریان «خاص» هدیه داده و سپرده‌گذاران را متضرر کردند. در آن مقطع دولت ساده‌ترین راه را انتخاب کرد: جبران زیان مال‌باختگان از جیب مردم. بعد از این پرونده دولت ادغام مؤسسات زیان‌ده در بانک‌ها را به‌عنوان یک تدبیر در برخورد با کاغذهای شکلات رهاشده به کار گرفت و اجازه داد زیانی که مشتریان خاص به اقتصاد ملی تحمیل کرده‌اند، باز هم با استفاده از منابع عمومی جامعه جبران شود. نگارنده به متولیان امر در دولت چهاردهم که رئیسش به نهج‌البلاغه‌خوانی شهره است، به‌شدت توصیه می‌کند این‌بار چنین خطایی را تکرار نکرده و خسارت وارده را به حساب کسانی ثبت کنند که با رِندی تمام شکلات را خورده‌اند.

در حالی که ۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهان در معرض تنش آبی است این شاخص برای ایران به ۹۰ درصد می‌رسد

زنگ خطر آب برای اقتصاد کشور

نسیم مسیبی

عکس: علی آذر، باشگاه خبرنگاران جوان

مؤسسه منابع جهانی (WRI)، ایران را با رتبه ۱۳ در فهرست کشورهایی با شدیدترین وضعیت تنش آبی تقسیم‌بندی کرده است. همچنین در گزارش بانک جهانی، بحران آب به عنوان مسئله مهم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در نظر گرفته شده است و در دنیا تقریبا ۲۲ درصد GDP یا تولید ناخالص داخلی کشورها در معرض تنش آبی قرار دارد. در ایران این موضوع به مراتب بحرانی‌تر است و از نظر GDP و جمعیت، بالای ۹۰ درصد از فعالیت‌های اقتصادی در معرض تنش آبی قرار دارد. بر اساس گزارش مرکز تحقیقات راه و شهرسازی، تعداد چاه‌های آب در ایران از دهه ۵۰ خورشیدی تاکنون بیش از ۱۷ برابر شده و از ۴۵ هزار حلقه به بیش از ۸۰۰ هزار رسیده است. همین مسئله سبب فرونشست شدید خاک در ایران شده است، به طوری که فرونشست سالانه خاک در مناطقی از ایران مانند کرمان به نیم‌متر در سال می‌رسد. چنین مصرف بی‌رویه آب در شرایطی رخ می‌دهد که میزان بارندگی در ایران یک‌سوم میانگین جهانی و تبخیر بیش از سه برابر نسبت به متوسط جهانی است و بارندگی کمتر از یک‌سوم متوسط جهانی و فرونشست زمین در تمامی استان‌های کشور، همه و همه بیانگر شرایط سخت و سنگین آبی کشور است که الزام اجرای برنامه سخت‌گیرانه مدیریت منابع آب کشور را گوشزد می‌کنند.

آمار و ارقام مربوط به منابع آب کشور حاکی از شرایط نامطلوب این بخش است و وضعیت وخیم سفره‌های آب زیرزمینی و برخی زیست‌بوم‌های آبی نیز دلالت بر وجود بحران آب در کشور دارد. مرور کلی بر مواد و احکام برنامه‌های توسعه قبلی و عملکرد آنها در بخش آب نشان می‌دهد که با توجه به وضعیت نامطلوب کنونی، برنامه‌های توسعه در ارتقای بخش آب نه‌تنها موفق نبوده‌اند، بلکه در مواردی باعث تشدید بحران شده‌اند. در این میان هرگاه صحبت از اصلاح وضعیت منابع آب شده است، دولت‌ها فقط بر ابزار افزایش قیمت تکیه کرده‌اند، بی‌آنکه به پروژه‌های عمرانی غیرکارشناسی، فساد در حوزه آب و ایجاد مصارف جدید بدون در نظر گرفتن آمایش سرزمین و... اشاره کنند؛ موضوعی که متخصصان صنعت آب آن را حکمرانی بد آب می‌خوانند. در همین زمینه جمعی از کارشناسان در نشست اخیر مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران با عنوان حکمرانی آب از منظر اقتصاد به این موضوع پرداخته‌اند.

اصلاح قیمت به‌تنهایی کارساز نیست

علیرضا دائمی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن علوم و مهندسی منابع آب ایران، در نشستی که به میزبانی اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران برگزار شد، با بیان اینکه آسیب‌پذیری منطقه خاورمیانه نسبت به افزایش گرمایش زمین بسیار زیاد است، تأثیر آن را هم به صورت سیل و هم خشک‌سالی توصیف کرد و گفت: کشور ایران از نظر دسترسی به منابع آبی جزء کشورهای فقیر دنیا به شمار می‌رود و با نامتوازنی جغرافیایی روبه‌روست. سه‌چهارم کشور در مناطق خشک بیابانی قرار دارد و در مناطق زاگرس و اطراف البرز بیشترین دسترسی به آب وجود دارد. او تاکید کرد: تأثیر گرمایش زمینی بر سیل و خشک‌سالی در کشور دیده می‌شود. ایران به لحاظ دسترسی به منابع آب، فقیر است. آب تجدیدشونده ۱۰۳ میلیارد مترمکعب و جمع مصارف آب ۹۴ میلیارد مترمکعب است. نکته اصلی اینکه ۹۰ درصد آب تجدیدشونده را استفاده می‌کنیم و معیار جهانی در این زمینه ۴۰ درصد است. برای حل مشکلات زیست‌محیطی، باید مصرف بالای آب را مدیریت کرد وگرنه با فرونشست‌ها و فروچاله‌ها و پایین‌بودن کیفیت آب مواجه خواهیم بود. رئیس هیئت‌مدیره انجمن علوم و مهندسی منابع آب ایران ادامه داد: در حال حاضر بازتخصیص آب و بازتنظیم مقررات آب مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند به مدیریت آب کمک کند. به‌جای عرضه و تولید، باید به مدیریت تقاضا و مصرف بپردازیم. در مدیریت تقاضا، اقتصاد آب مهم است. قیمت‌گذاری آب عاملی است که بازتخصیص در آن باید دیده شود. نظارت بر قانون‌مندی بسیار مهم است و باید بر برداشت‌های آب نظارت کافی انجام شود. حمیدرضا کشفی، کارشناس سرمایه‌گذاری در حوزه آب، با تأکید بر اهمیت تبیین حکمرانی آب، توضیح داد: حکمرانی خوب زمانی رخ می‌دهد که اهرم‌های مالی و سیاسی مناسب در جهت بهره‌وری منابع آب استفاده شود یا اینکه از موانع و فرصت‌های آبی استفاده کنند و جهت اصلاح ساختار بخش آب مشارکت بخش خصوصی یا پتانسیل سرمایه‌گذاری و بازگشت سرمایه را در بخش آب داشته باشند. دیدگاه حکمرانی همواره در پی رفع مشکلات موجود بوده است. در قوانین برنامه توسعه و مخصوصا قانون برنامه هفتم چند بند درباره حکمرانی آب قید شده است. این یعنی هم در برنامه‌های بلندمدت و هم میان‌مدت، به صورت سازه‌ای فکر شده است و به دنبال مسئله نبوده‌ایم. کشفی در ادامه گفت: اصولا وقتی از اقتصاد آب و برق به صورت عام صحبت می‌کنیم، بلافاصله ذهن‌ها به سمت اصلاح تعرفه پیش می‌رود. در بخش آب و هم در بخش برق دو بار یا حتی در یک سال گذشته سه بار اصلاح تعرفه صورت گرفته و تعرفه‌های نسبتا خوبی هم اخذ شده است، اما سؤالی که مطرح است این است که آیا این تعرفه‌ها منجر به اصلاح شبکه‌های آبیاری، خطوط انتقال آب و اصلاح شبکه‌های برق یا ارتقای تصفیه‌خانه‌ها و نیروگاه‌ها می‌شود یا نه؟ من فکر نمی‌کنم پاسخ این سؤالات مثبت باشد.

این کارشناس با بیان اینکه اصلاح تعرفه لزوما به بهره‌وری منتج نشده است گفت: اگر به بهره‌وری در کنار اصلاح قیمت به صورت توأمان توجه نشود، منجر به نتایج مثبت نخواهد شد. کشفی با بیان اینکه استقرار حکمرانی خوب در بخش آب طی یک فرایند مستمر انجام می‌شود، به مدیریت مؤثر کشورهایی مثل ژاپن و مالزی در کاهش‌های شدید مصرف اشاره کرد و ادامه داد: این کشورها شش گام اساسی را طی ۱۰ تا ۱۵ سال به منظور اجرائی‌کردن حکمرانی خوب در آب برداشته‌اند. یکی از مهم‌ترین این گام‌ها مسئله اقتصاد و قیمت‌گذاری است. از دیگر موارد مهم، می‌توان به قانون‌گذاری و تبیین درست مقررات، اصلاح ساختار، نهادسازی و همسان‌سازی فرایندها و در نهایت فرهنگ‌سازی اشاره کرد.

زنگ خطر آب برای تولید ناخالص ملی

مرتضی تهامی‌پور، عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی، در ادامه با بیان اینکه تأکید روی یک ابزار به‌تنهایی درست نیست، ادامه داد: حتی اگر علم کافی از اقتصاد آب در کشور پیاده‌سازی شود، کافی نیست و این باید در کنار اصلاح تکنولوژی و توجه به مسائل اجتماعی و محیط‌زیستی پیش برود. این استاد دانشگاه ادامه داد: طبق گزارشی که بانک جهانی منتشر کرده، بحران آب به عنوان مسئله مهم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در نظر گرفته شده است و در دنیا تقریبا ۲۲ درصد GDP یا تولید ناخالص داخلی کشورها در معرض تنش آبی قرار دارد و در کشورهای آفریقا و خاورمیانه این عدد به ۷۱ درصد می‌رسد و جمعیت در معرض تنش آبی در دنیا ۳۶ درصد و در خاورمیانه ۶۱ درصد قلمداد شده است. در ایران این موضوع به مراتب بحرانی‌تر است، از نظر GDP و جمعیت، بالای ۹۰ درصد از فعالیت‌های اقتصادی در معرض تنش آبی قرار دارد و هیچ فعالیت اقتصادی در ایران امکان تعریف‌شدن بدون در نظر گرفتن منابع آبی ندارد. تهامی‌پور با بیان اینکه کم‌آبی دو بعد دارد و یک بعد آن کم‌آبی فیزیکی است که ناشی از ناکافی‌بودن منابع آب است، اضافه کرد: کم‌آبی فیزیکی برای این است که تقاضای رو به رشد در جامعه مدیریت شود و کم‌آبی اقتصادی نیز به عنوان بعد دیگر کم‌آبی شامل مواردی است که با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و تکنولوژی می‌توان آن را به نحوی که به کم‌شدن تقاضای آب منجر شود، پوشش داد. عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: سرمایه‌گذاری هزینه-فرصت دارد؛ بنابراین وقتی گفته می‌شود سرمایه‌گذاری در بخش آب یعنی سرمایه‌گذاری در این بخش به سرمایه‌گذاری در بورس، در بانک و... صرفه داشته باشد و سرمایه‌گذار دوره بازگشت سرمایه مناسب می‌خواهد و این راهی است که به منظور جذب سرمایه از بخش خصوصی ضروری است. در حال حاضر فرصت‌های زیادی برای کاهش اتلاف آب وجود دارد اما فرصت‌ها به‌درستی بررسی نشده است. بخش خصوصی با شرایط فعلی و بدون حمایت و مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری از سوی دولت جذب این سیستم نخواهد شد.

مسیر ناهموار قیمت‌گذاری

تهامی‌پور با بیان اینکه قیمت‌گذاری اقتصادی هنوز در کشور رخ نداده است، اضافه کرد: تمام قوانینی که در کشور از ۱۳۱۷ تاکنون وضع شده، قیمت‌گذاری بر مبنای سمت عرضه اقتصاد است؛ یعنی بر مبنای هزینه تمام‌شده پول گرفته می‌شود. از طرفی چون در بخش آب انحصارگر طبیعی هستیم، بازگشت سرمایه هم در واقع در شرکت‌های آب وجود ندارد و زیان ناشی از آن توسط دولت جبران می‌شود. او تصریح کرد: هر زمان خواست اصلاح قیمت اتفاق بیفتد، مجلس، شورای اقتصاد و سایر دستگاه‌ها با آن مخالفت کردند و دلیل آن این است که اهداف اجتماعی و اقتصادی در تضاد با یکدیگر قرار گرفته‌اند. تهامی‌پور با اشاره به اینکه تعویض قیمت باید در مسیر درستی انجام شود تا از این بحران عبور کنیم، افزود: راه درست در این جریان، همان مسیری است که قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ گفته است؛ تعویض قیمت. دلیلی ندارد از همه پول بیشتر گرفته شود. مثلا کیفیت آب در این قیمت‌گذاری لحاظ نمی‌شود. مثلا اینکه در مناطق مختلف تهران کیفیت‌های آب متفاوتی توزیع می‌شود و این در قیمت‌گذاری لحاظ نمی‌شود. در این شرایط باید بررسی شود کیفیت آبی که در سیستان‌وبلوچستان توزیع می‌شود، با کیفیت آب در منطقه یک تهران چه اندازه متفاوت است و بر مبنای آن قیمت‌گذاری انجام شود. عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی تأکید کرد: ما در این حوزه‌ها، تمام مسیرها را اشتباه رفته‌ایم و تبعیض قیمت رخ داده است. برای همین برای اصلاح قیمت‌ها، مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد. در بخش کشاورزی باید آب مصرفی محصولات زراعی و باغی مشخص شود. ما آب مجازی را دور زده‌ایم و اصلا مسئله آب مجازی را درک نکرده‌ایم و این شیوه به منابع آب کشور و مدیریت آن ضربه می‌زند. باید در تنظیم قیمت به بهره‌وری توجه شود. باید به تجارت آب مجازی توجه شود. در کشاورزی باید اصلاح الگوی کشت و اصلاح ابزار آبیاری صورت گیرد.

توازن جدید در قدرت‌های هوایی

ادامه از صفحه اول

جزئیات این درگیری همچنان محل اختلاف است: اسلام‌آباد مدعی است سه هواپیمای هندی، ازجمله یک فروند رافال را سرنگون کرده، درحالی‌که دهلی‌نو از تلفات خود کاسته و آن را کم‌اهمیت جلوه داده است. با این حال، تحلیل‌ها در یک نکته هم‌نظرند: موشک PL-15 با برد بیش از ۲۰۰ کیلومتر و رادار آرایه فازی فعال نصب‌شده بر جنگنده J-10C نقش تعیین‌کننده‌ای در این نبرد هوایی داشتند. نخستین آزمون عملیاتی این سامانه‌ها، اسطوره شکست‌ناپذیری جنگنده‌های غربی را به چالش کشیده است.

نمایش قدرت برای چین: این حادثه برای پکن یک نعمت غیرمنتظره بود. بنا بر داده‌های مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم «سیپری»، ۸۲ درصد واردات نظامی پاکستان از چین است، و اکنون چین به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده تسلیحات به پاکستان دارای ویترینی جهانی برای نمایش توانمندی‌های صنایع نظامی خود است. چینی‌ها که تا مدت‌ها به‌عنوان «کپی‌کار» فناوری‌های غربی شناخته می‌شدند، این بار ثابت کردند که می‌توانند به توسعه فناوری‌هایی دست یابند که نه‌تنها هم‌تراز غربی‌هاست، بلکه در برخی حوزه‌ها از آنها نیز پیشی گرفته است. جنگنده J-10C با قیمت پایین‌تر و بدون محدودیت‌های سیاسی، اکنون توجه کشورهای آفریقایی و خاورمیانه‌ای را به خود جلب کرده است. به‌همین‌دلیل بورس شانگهای در هفته پس از حادثه شاهد رشد هشت‌درصدی ارزش سهام شرکت هواپیماسازی چنگدو بود.

غرب، ناچار به واکنش: این حادثه در پاریس، بروکسل و واشنگتن شوک بزرگی ایجاد کرد. برتری هوایی غربی‌ها که یکی از ارکان دکترین ناتو محسوب می‌شود، اکنون مورد تردید قرار گرفته است. متحدان آمریکا در آسیا و اقیانوسیه ممکن است در تصمیمات خود برای خرید جنگنده‌ها تجدیدنظر کنند. عملکرد قدرتمند تجهیزات چینی، غرب را ناگزیر می‌کند تا برنامه‌های جنگ الکترونیک خود را با سرعت بیشتری پیش ببرد. پروژه نسل ششم جنگنده اروپا (سیستم هوایی رزمی آینده) ممکن است با تجدید ساختار روبه‌رو شود. هند که از این ماجرا احساس تحقیر کرده، احتمالا به خرید هواپیماهای هشدار زودهنگام (اواکس) آمریکایی و جنگنده‌های اف-۳۵ روی خواهد آورد تا تهدید فزاینده چین را مهار کند. این روند، فرصت مغتنمی برای ایالات متحده است تا در راهبرد مهار چین، جایگاه خود را تقویت کند.

به سوی توازن جدید در قدرت‌های هوایی: فراتر از جنبه‌های نظامی، این حادثه یک تغییر ژئوپلیتیکی را تثبیت می‌کند. روسیه جایگاه خود را در بازار هند از دست می‌دهد و این جایگاه به فرانسه و آمریکا منتقل می‌شود. چین نیز به‌عنوان قدرتی که قادر است تسلیحاتی رقابتی و اکنون آزموده‌شده در میدان نبرد را عرضه کند، جایگاه خود را تثبیت کرده است. پیام برای پکن روشن است: سلسله‌مراتب قدرت‌های هوافضا دیگر ثابت نیست. جهان در حال دگرگونی است... .